



۲۰۱۷/۰۶/۲۱



دوکتور محمد عثمان تره کی

## حمله انتقام جویانه سربازان امریکایی

### بر مردم ملکی در ننگرهار

در بحث گذشته با محترم پردیس سبکی خیل؟ با شتاب به رسیدگی به سوالات مهم شان در رابطه به اوضاع جاری توجه گردید. مجال مکث کوتاهی به مضمونی که نویسنده در ۲۰۱۷ در رابطه به یکی از جنایات جنگی امریکا در ننگرهار نوشته بود و منقد در آغاز بیانات خود عنوان آنرا را ذکر کرده است دریافت نشد. ازان جائیکه مضمون به موضوع بحث ارتباط میگیرد، بناً لازم دیده میشود که متن کامل آن از نظر خوانندگان بگذرد. (مأخذ: آرشیف)

\* \* \*

شب گذشته (۱۱/۰۶/۲۰۱۷) در غنی خیل ولسوالی ننگرهار یک تانک سربازان امریکایی با بم کنار سرک تصادم کرد که بدنبال انفجار آن سه یا چار تن سرنشینان آن هلاک شدند. سربازان پیاده به تعقیب مشاهده حادثه، با انگیزه انتقام جویی، بروی مردم ملکی تماشاجی ایکه در صحنه حضور داشتند، آتش کشودند که طی آن سه تن کشته شد. این واقعه لافل دو مطلب را تداعی میکند:

- عساکر امریکایی برخلاف تعهد قبلی مبنی بر دوام حضور در افغانستان به قصد آموزش و تعلیم نظامیان افغانی، ماموریت جنگی را به پیش میبرند.

- در محلاتیکه مهاجم بر سربازان امریکایی معلوم نباشد، نشانه گیری مردم ملکی از جانب سربازان امریکایی به مثابه تکتیک ایجاد رعب و وحشت در میان مردمیکه مخالفین مسلح را در قریه خود جا داده اند، مورد استفاده قرار گرفته است. قصد اینست تا در آینده، ترس انگیزه شود تا درب روستا نشینان بروی ملیشپای طالب بسته بماند. در استفاده ازین تکتیک شانزده سال میگذرد. نتیجه معکوس ازان بدست آمده است. چه هر فرد غیر محارب که به ناحق کشته شود، انگیزه های قوی انتقام جویی را برضد قوت های خارجی فراهم میآورد. جنگجویان تازه نفس را که اکثراً با شهدای ملکی قرابت خونی، قبیلوی و احیاناً دوستی و آشنائی دارند، در معرکه میکشاند. این پروسه منجر به متورم شدن صفوف مقاومت میگردد. این خود زمینه فتوحات بیشتر را برایشان میگرداند. امروز کنترل مخالفین مسلح بر بیش از شصت در صد بر قلمرو ملی را باید در محتوای همین تسلسل ارزیابی کرد.

نمیخواهم به جزئیات در اینکه حمله بر مردم ملکی اعم از آنکه عامل آن قوای خارجی باشد یا ملیشپای طالب، یک جنایت جنگی است، صحبت کنم. جنرالان امریکایی بیش از ما از محتوای قوانین جنگ اطلاع دارند. آنها از همان

ابتدا با آغاز جنگ تهاجمی علیه افغانستان و نقص حاکمیت ملی یک کشور بیغرض عضو موسسه ملل متحد، که هیچ مسئولیتی در حمله تروریستی در نوپارک نداشت، خود را ملزم به رعایت قوانین جنگ ندانستند.

در سال ۲۰۰۱ در گرماگرم کشتار جمعی اسیران طالب در کانتینر ها در دشت لیلی، «دونالد رامزفرد» وزیر دفاع وقت امریکا به ژورنالیست های معترض گفت که اگر منافع امریکا ایجاب کند، قیود ناشی از قوانین بین المللی مانع آزادی عمل ما در برخورد به قضایا نمیشود. . .

بهرحال ! صرفاً برای آگهی کسانیکه زیاده روی های جنگ را در افغانستان از موضع قوانین بین المللی ارزیابی میکنند، خاطر نشان میشود که کانوانسیون چارم ژنو در ماده ۳۳ (فقره سوم) انتقام جوئی در عملیات جنگی را با شدید ترین الفاظ منع کرده است.

امریکا و مؤلفین وی در جریان شانزده سال جنگ در افغانستان جنایات هولناکی را مرتکب شده اند.

در سطح بین المللی هیچ مرجع عرض و داد وجود ندارد: امریکا عضویت دیوان جزای بین المللی را نه پذیرفته است. برای رسیدگی به جنایات جنگی امریکا و متحدین در افغانستان، تاسیس محکمه موقتی (هدهوک) آنطوریکه در ۱۹۹۳ در مورد یوگوسلاویا و ۱۹۹۴ در رابطه به راندا و تانزانیا در نظر گرفته شد، امکان پذیر نیست. چه فیصله تشکیل چنین محکمه از جانب شورای امنیت گرفته میشود که امریکا و مؤلفین درانجا حق ویتو دارند. بناءً یگانه مرجع جلوگیری از زیاده روی های جنگی امریکا و متحدین خود افغان ها است. به این معنی که در صورت تکرار حادثه میباید :

- بدنبال ارتکاب مشهود جنایت جنگی از سوی سربازان امریکائی، اردوی افغانستان از اشتراک در عملیات جنگی بعدی با آنها استنکاف کند. فرمان این عدم همکاری را باید قوماندان اعلی اردو (مقصد نابغه درجه دوم است) صادر کند. ( شوخی نیست ).

- سربازان حکومتی پیوستن مشروط خود را به صفوف مخالفین مسلح اعلام نماید. « پایان » ۲۰۱۷/۰۶/۱۲

مأخذ : آرشیف

حمله انتقام جویانه سربازان امریکائی بر مردم ملکی

Osman\_taraki\_hamlaye\_enteqaam\_joyaana\_usa.pdf